

۱۷۱/۱۰۴۲/۱۵
۱۷۱/۱۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه کارشناسی ارشد (MA)
فرهنگ و زبانهای باستانی

موضوع

بررسی نامهای خاص فارسی (نامهای اشخاص)
بر اساس متون کهن

استاد راهنما

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور

دکتر کتایون مزاداپور

نگارش

معصومه کوه کن کهنگی

سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۵

۹۱۸۸۶۹

با سپاس فراوان از:

استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که در تمامی مراحل تحصیلی با همراهی دلسوزانه و در تدوین این پایان نامه با راهنماییهای ارزنده، همواره مرا مورد لطف و محبت خود قرار دادند.

استاد محترم سرکار خانم دکتر کتابیون مزدآپور که همواره با رهنمودهای علمی خویش مرا یاری نمودند و مهر بانیها و آرامش ایشان همیشه در خاطر من خواهد ماند.

اساتید دانشمند و فرزانه جناب آقای دکتر ابوالقاسمی، سرکار خانم دکتر بهبهانی، جناب آقای دکتر راشد، سرکار خانم دکتر میرفخرائی، سرکار خانم دکتر رحیمی، سرکار خانم دکتر جدلی، سرکار خانم دکتر دربندی که آموزشهای ایشان هدایتگر اینجانب بوده است.

و با قدردانی از زحمات :

همسر و استاد عزیزم مهندس شرمین رضائی که با همراهی و همدلی همیشه مشوق من بوده و است .

خانمها دیانوش رضائی، نازنین اسماعیلی جوادی، گلاره اسماعیلی جوادی، پروانه احمدیان، بهنام مبارکه و سرور سرداری .

مادرم که اولین بار قلم بدستم داد و همیشه همراهم بود.

تقدیم به

روان پاک پدرم

و

عزیز دلبندم اهورا

چکیده

مقدمه

ح	۱- موضوع رساله
ج	۲- کلیات
ز	۳- تعریف نام
ش	۴- بررسی نامنامه های مورداستفاده در این پایان نامه
ع	۵- روش کار
ق	۶- نشانه ها و علائم اختصاری

بخش اول

اسامی اوستائی

۱	۱ - ۱ اسامی اوستائی اهورائی
۶۳	۱ - ۲ اسامی اوستائی اهریمنی

بخش دوم

۶۹	اسامی فارسی باستان
----	--------------------------

بخش سوم

۱۰۰	اسامی فارسی میانه (پهلوی)
-----	---------------------------------

بخش چهارم

اسامی فارسی

۱۵۳	۴-۱ نامهای شاهنامه
	۴-۲ نامهای امروزی
۲۴۱	۴-۲-۱ نامهای ایرانی
۳۶۵	۴-۲-۲ نامهای انیرانی

فصل پنجم

۳۸۷	دستاورد تحقیق
-----	---------------------

۴۰۲	کتابنامه
-----	----------------

چکیده

این رساله مشتمل بر چهار فصل اصلی با موضوع بررسی نامهای خاص فارسی در متون کهن است. در هر فصل به ریشه شناسی و معانی نامها در هر دوره پرداخته و در حد امکان به توضیحات تاریخی و اسطوره ای آنها اشاره شده است. در پایان چهار فصل نتیجه گیری حاصل از این تحقیق آمده است. به طور کلی این رساله شامل یک چکیده، مقدمه، چهار فصل اصلی و بخشهای نتیجه گیری و در آخر کتابنامه فارسی و غیر فارسی است.

مقدمه

موضوع رساله

این رساله پژوهشی در مورد اسامی خاص فارسی و ریشه‌شناسی آنها بر اساس متون کهن با استفاده از نامنامه‌های فارسی و غیرفارسی و شاهنامه است. هدف از اجرای این طرح، گردآوری نامها، معانی، ریشه‌یابی، بررسی علل نحوه نام‌گذاری، ارتباط نام‌ها با یکدیگر و چگونگی تبیین نام‌ها در بستر دوره‌های مختلف زمانی و تأثیرات فرهنگی با توجه به تأثیر مسائل دینی و تاریخی در ظهور، تغییر و حذف نامها است.

آنچه که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته نامهایی است که در دوره‌ای از تاریخ مورد استفاده بودند و امروزه دیگر به کار نمی‌روند و نامهایی که امروزه از آنها استفاده میشود و بعضی از آنها به طور مستقیم ریشه در گذشته دارند و آنهایی که امروزه رایج‌اند و نامی نو به حساب می‌آیند، هم‌چنین نام‌های غیر ایرانی و چرایی اینگونه تغییرات.

کلیات

زبان فارسی از خانواده زبانهای هندو اروپائی است. زبانهای هندی و اروپایی از حدود هزاره اول پیش از میلاد مسیح در بخش بزرگی از اروپا و جنوب و جنوب غربی آسیا رایج بوده است و از نیمه دوم سده پانزدهم میلادی در آمریکا، آفریقا و اقیانوسیه هم رایج گشته اند (۱). گروه زبانهای هندو ایرانی از خانواده زبانهای هندو اروپائی است که به دو دسته هندی و ایرانی تقسیم میشود. شاخه ایرانی این گروه در هزاره اول پیش از میلاد مسیح در ایران و افغانستان و در شمال در منطقه میان مجارستان و ترکستان چین رایج بوده اند. قدیمی ترین گونه های شاخه ایرانی باستان تا آنجا که مدرک در دست داریم (۱) اوستائی (۲) مادی (۳) سکائی (۴) فارسی باستان می باشند. دوره باستان به طور کلی از ۱۰۰۰ پیش از میلاد مسیح، سال استقرار ایرانیان در سرزمین ایران تا ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح، سال سقوط هخامنشیان را در بر می گیرد (۲). بر این اساس این پایان نامه شامل چهار فصل است که نامهای رایج در دوره های مختلف زبانی- با در نظر گرفتن تاثیر پذیری نام ها از شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن دوره ها- را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار داده است. در فصل پنجم نتیجه گیری آورده شده است.

فصل اول- نامهای اوستائی:

زبان اوستائی زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است. تنها اثری که از این زبان به جای مانده است کتاب اوستا می باشد. اوستا به دو گویش نوشته شده، گویشی که گاهان یعنی سخنان خود زردشت، به آن نوشته شده و گویشی که بخشهای دیگر اوستا بدان نوشته شده است. اوستای امروز حدود یک سوم اوستای دوره ساسانی است. زردشت در سده های نخستین هزاره پیش از میلاد زندگی می کرده است و از این رو گاهان، که سخن خود زردشت است، از سده های نخستین هزاره پیش از میلاد مسیح تا سده سوم میلاد نوشته شده است. در دوره ساسانیان مختلف از سده ششم پیش از میلاد مسیح تا سده سوم میلاد نوشته شده است. در این فصل نامهای الفبایی از الفبای زبوری و پهلوی اختراع شد و اوستا بدان نوشته شد (۳). در این فصل نامهای اوستائی از اوستا، تنها منبع باقی مانده از زبان اوستائی، استخراج شده اند. در نوشته های بازمانده از اوستائی، واژه غیر اوستائی وجود ندارد (۴). چون دینی که نوشته های اوستائی در تشریح و تبلیغ آن نوشته شده، ثنوی است، اوستا دو نوع لغت دارد: لغاتی از

۲۰۱- ابوالقاسمی، تاریخ زبان فارسی، ص ۳ و ۴

۳ و ۴- ابوالقاسمی، زبان فارسی و سرگذشت آن، ص ۱۶ و ۱۷

اوستا به اهریمن و آنچه که مربوط به اوست اختصاص دارد؛ لغاتی هم به اهورا مزدا و آنچه مربوط به او است تخصص یافته است. (۱) به همین دلیل نامهای اوستائی را به دو بخش اوستائی اهورایی - نام افرادی که به نوعی از نیروهای اهورا مزدا و یا فروهر آنها ستوده شده است - و اوستائی اهریمنی - نام اشخاصی که در واقع از نیروهای اهریمن و دشمن زردشت و ایران بوده اند - تقسیم کرده ام.

فصل دوم: نامهای فارسی باستان (نامهای هخامنشیان و مادها)

زبان مادی از زبانهای دوره باستانی، زبان قدیم ماد بوده است. از این زبان نوشته ای در دست نیست و فقط تعدادی واژه در نوشته های فارسی باستان و یونانی بجا مانده است (۲). در مورد اسامی خاص مادها لازم به ذکر است که اکثر این اسامی را از نوشته های تاریخ نویسان یونانی استخراج کرده اند و به غیر از چند اسم که با شاهان هخامنشی نسبت داشته اند، بقیه به صورت یونانی خود آورده شده اند.

کتیبه های باقی مانده از فارسی باستان به الفبای میخی که از الفبای اکدی و ایلامی گرفته شده است، نوشته شده است. این الفبا که گویا به دستور داریوش ساخته شده است تا پایان دوران هخامنشی رایج بوده است این کتیبه ها عموماً مربوط به شاهان هخامنشی (۵۹۹-۳۳۱ پیش از میلاد مسیح) هستند (۳).

هخامنشیان برسومریان و آرامیان و اکدیان و یونانیان و ایلامیان از اقوام غیر ایرانی، و بر مادیان و پارتیان و سغدیان و خوارزمیان و سکائیان از اقوام ایرانی حکومت می کردند. به همین دلیل مبادله لغات بین این زبانها و ایرانیان انجام شده است (۴). نامهای فارسی باستان از کتیبه های مربوط به شاهان هخامنشی و از منابع یونانی، ایلامی استخراج شده اند. در این میان بعضی از نامها فقط ضبط یونان دارند و توسط تاریخ نویسان یونانی مانند هرودوت، گزنفون و... در منابع یونانی به ثبت رسیده اند و در منابع فارسی باستان نامی از آنها برده نشده است. نوشته های فارسی باستان از کارهای شاهنشاهی گفتگو می کنند. شاهنشاهان هخامنشی در ضمن بیان کارهای خود، از عقاید دینی و سیاسی و اجتماعی هم سخن به میان می آوردند (۵). از این رو است که نامهای ثبت شده در منابع فارسی باستان به نام شاهان و اجداد آنها و کسانی که در جنگها همراه آنها بوده و از بندگان و دوستان آنها بوده اند و همچنین کسانی که از دشمنان

(۱) ابوالقاسمی، تاریخ زبان فارسی، ص ۴۴. (۲) ابوالقاسمی، زبان فارسی و سرگذشت آن، ص ۱۷. (۳) همان، ص ۳۰

(۴) ابوالقاسمی، تاریخ زبان فارسی ص ۴۳

آنها بوده اند محدود میشود و نام عوام را در این اسامی نمی توان یافت .

فصل سوم: نامهای فارسی در دوره میانه

قتل داریوش سوم هخامنشی در سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح ، یک مرز تایخی برای زبانهای ایرانی محسوب میشود. از مرگ او تا سال ۸۶۷ برابر ۲۵۴ هجری - سالی که یعقوب لیث صفار به سلطنت رسید و زبان فارسی دری رسمیت یافت - دوره میانه زبانهای ایرانی به شمار می آید. در دوره میانه زبان اوستائی که زبانی مرده بود ، در حوزه های دینی زردشتیان رایج بوده است (۱). به همین دلیل با استناد به متون باقی مانده از این دوره می فهمیم که نامهایی که در اوستا نوشته شده اند یا کاربرد ندارند و یا با تغییرات آوایی متناسب با زبان در این دوره استفاده میشوند. زبان فارسی باستان و اکدی و ایلامی و آرامی که از زبانهای رسمی دولت هخامنشی بوده اند از رسمیت می افتند و جای آنها را زبان یونانی می گیرد و رواج آن به عنوان زبان رسمی تا زمان بلاش اول ادامه می یابد و از آن پس به عنوان زبانی از زبانهای رسمی به جای می ماند (۲). از برخی از زبانهای این دوره آثاری به جای مانده است که به سبب شباهتهائی که از نظر قواعد دستوری دارند به دو گروه تقسیم می شوند: زبانهای ایرانی میانه غربی و ایرانی میانه شرقی. زبان فارسی ، بازمانده شاخه ایرانی غربی فارسی میانه است پس به زبانهای شرقی نمی پردازیم. گروه ایرانی میانه غربی ، زبانهای پهلوی اشکانی و فارسی میانه را در بر دارد.

آثار باقی مانده از پهلوی اشکانی :

از این دسته سه نوع اثر به جای مانده است (۱) - آثاری که به الفبای اشکانی نوشته شده است که کتیبه های پادشاهان ساسانی (اردشیر اول ، شاپور اول ، نرسی ، اردوان پنجم) قباله اورمان ، سفالینه های شهر نسا و کتیبه شهر دورا به این زبان است . (۲) - آثاری که به الفبای فارسی میانه کتابی است : یادگار زریران و درخت آسوریک . (۳) - آثاری که به الفبای مانوی نوشته شده (که در این پژوهش به نامهای ذکر شده در آثار مانوی به دلیل گستردگی موضوع پرداخته نشده است) .

آثار باقی مانده از فارسی میانه :

فارسی میانه دنباله فارسی باستان است و به پهلوی ساسانی هم معروف می باشد. از این زبان

۱ و ۲) ابوالقاسمی، تاریخ مختصر زبان فارسی ص ۵۷، ۶۵-۷۳

چهار نوع اثر به چهار الفبای مختلف باقی مانده است (۱) - کتیبه های شاهان و رجال ساسانی که به الفبای کتیبه ای و در اوایل دوره ساسانی نوشته شده است و اکثر آنها با ترجمه اشکانی و یونانی همراه است. (۲) - زیور پهلوی : که مسیحیان دوره ساسانی کتابهای خود را به الفبای زیوری نوشته اند. (۳) - ترجمه و تفسیر اوستا به فارسی میانه که به زرد معروف است و متن های دینی اوستا که مهم ترین آنها عبارتند از : بندهش ، دادستان دینیک ، نامه های منوچهر، گزید های زادسپرم، شکند گمانیک و زار ، شایست و نا شایست ، مینوی خرد ، روایات پهلوی ، ارداویراف نامه ، دین کرد ، گجستک ابالیش ، جاماسب نامه و همچنین اندرز نامه های پهلوی شامل اندرز بزرگمهر ، اندرز اوشنر دانا ، اندرز آذر باد مهر اسپندان ، اندرز خسرو قبادان و اندرز پوریوتکیشان است. متن های غیر دینی پهلوی هم از کتابهایی مانند کارنامه اردشیر بابکان ، خسرو قبادان ، شهرستانهای ایران شهر ، آفدی ها و سهگی های سیستان تشکیل شده اند. (۴) - نوشته های مانی و مانویان که به الفبای مانوی که از الفبای تدمری گرفته شده است نوشته شده اند مانند : شاپورگان ، کاوان (=غولها) ، انگلیون (انجیل) (۱)

فصل چهارم : نامهای شاهنامه و نامهای ایرانی امروزی

در سال ۳۱ هجری با مرگ یزدگرد سوم و پس از حمله اعراب ، ایران جزئی از کشور اسلام شد. به همین دلیل زبان علمی ایرانیان مسلمان عربی بود و رواج آن در ایران سبب شد که تعداد زیادی لغت از عربی به فارسی وارد شود. یعقوب لیث صفار در سال ۲۵۴ دولت مستقل ایرانی را تاسیس کرد و فارسی دری را زبان رسمی کشور قرارداد. پس از آن به علت حمله مغولها به ایران تعداد زیادی واژه مغولی وارد زبان ایران شد و در زمان صفویان افشاریان و قاجاریان زبان ترکی گسترش یافت. پس از ارتباط ایرانیان با اروپائیان واژه های زیادی از فرانسه ، انگلیس ، روسیه و ... وارد زبان ایرانی شد (۲). به همراه این واژه های بیگانه تعداد زیادی نام نیز از زبانهای ترکی و اروپائی و عربی و مغولی وارد زبان فارسی شد. از مهمترین زبانهای ایرانی جدید می توان از کردی ، بلوچی و فارسی دری نام برد که در سرزمین ایران کاربرد دارند.

فارسی دری زبان اسلام است و اسلام دینی است توحیدی. از این رو این زبان نیازی به واژه ها و نامهای اهریمنی ندارد (۳). به همین دلیل نامهای اهریمنی در فصل جداگانه ای آورده شده و در واقع این نامها متروک شده اند و دیگر کاربردی ندارند. در زبان فارسی دری واژگان و نامهای دستاگیری هم وارد شده اند که از ذکر این نامها به دلیل حجم زیاد مطالب خودداری شده.

(۱) ابوالقاسمی، تاریخ مختصر زبان فارسی ص ۷۲-۷۰. (۲) همان (۱)، ص ۱۰۷-۱۰۳. (۳) همان (۱) ص ۱۱۹

نامهای شاهنامه هم به دلیل ارزش بسیار این کتاب در بخشی جداگانه آورده شده اند. این نامها به فارسی دری نوشته شده اند بسیاری از این نامها از گذشته تا امروز استفاده میشوند و شامل نامهای اسطوره ها، پادشاهان پیشدادی، کیانی و... تا زمان زندگی نویسنده کتاب، ابوالقاسم فردوسی، است.

نامهای ایرانی امروز در دو زیرمجموعه نامهای ایرانی و نامهای انیرانی آورده شده است. اغلب نامهای ایرانی که امروزه استفاده میشوند ریشه در گذشته دارند و برای اینکه مقایسه ای با شکل کاربرد آنها در گذشته داشته باشیم به بخشهای دیگر رجوع داده شده است. در این فصل برخی از نامهایی که مربوط به لهجه های دیگر فارسی است مانند: کردی، لری، مازندرانی، بلوچی نیز آورده شده است.

فصل پنجم: دستاورد تحقیق

در این فصل نتیجه ای که از این پژوهش با توجه به اطلاعات به دست آمده از متون، نامنامه ها، تحقیقاتی که قبلاً انجام گرفته و آمار کلی که سازمان ثبت احوال در اختیار اینجانب قرار داده اند، نوشته شده است.

تعریف نام

زبان مدخل ورود به فرهنگ اقوام است. زبان و فرهنگ پدیده هائی هستند که برای فهم هر یک باید از دیگری مدد جست. آشنائی با فرهنگ هر ملتی نیاز به فهم زبان آن قوم دارد. زیرا صورتی از تاثیرات فرهنگی در قالب متون مکتوب، بدست ما رسیده است و برای آشنائی با تفکر پیشینیان لازم است که به زبان آنها آگاهی کامل داشت. از طرف دیگر فرهنگ خود روشنگر بسیاری از ابهامات زبانهای مهجور است. نامهای خاص از طرفی در دل زبان جای دارند و از طرف دیگر در فرهنگ و عقاید دینی و اجتماعی ملتها ریشه دارند. پس اهمیت بررسی نامها را در دوره های مختلف تاریخی نمی توان نادیده گرفت. مساله نام و نامگذاری از جمله جنبه های مهم و از بخشهای موثر زبان است.

تکیه بر اهمیت نامگذاری، پرداختن به توضیح و اصحات است، چرا که نام یعنی نماینده و هویت دهنده به انسان است. تا جایی که تاریخ روایت می کند بوده اند مللی که در جریان حوادث از میان رفته اند و جز نام، آن هم به حمایت تاریخ، چیزی از آنها بجا نمانده است. اما خوشبختانه در زبان فارسی با تمام تغییرات و اختلاط که با زبانهای دیگر به وقوع پیوسته، کلمات زیبا و واژه های دلنشین با کاربرد اسمی کم نیست و این خود یکی از ارزشهای زبان

فارسی می تواند باشد. دریک تعریف کلی برای نام در دستور زبان می خوانیم: «نام لفظی است که بدان کسی یا چیزی را خوانند: اسم، شهرت و آوازه (۱)».

در طول تاریخ در کشور ایران اسامی شاهان، اسامی مذهبی مربوط به دین در هر دوره از زمان استفاده میشده است. بعنوان مثال قبل از حمله عربها به ایران از اسامی مربوط به دین زرتشت استفاده میشده که بعد از گرویدن ایرانیان به اسلام این نامها با نامهای مقدس در دین اسلام جایگزین شده اند.

پادشاهان ایران قبل از نام خود نام آبا و اجداد سلطنتی خود را ذکر می کردند. در حالتی عمومی تر ایرانیان بر طبق روحیه و جوهر هر شخص نام گذاری انجام می دهند مانند بعضی از اسامی گلها که بر روی زنان گذاشته میشود یا اسامی که نشان دهنده ویژگیهایی مانند کوچکی و بزرگی ... است.

نامهای ایرانی، از قدیم تا امروز، در دو قرن اخیر توسط پژوهشگران و دستداران ایران از منابع و متون مختلف فارسی (اوستا، کتیبه های فارسی باستان، کتیبه ها و متون دینی و غیر دینی فارسی میانه، شاهنامه و...) لاتین، یونانی، عربی ... جمع آوری و در فرهنگهای نام یا نامنامه ها وجود دارد. پژوهشگران غیر ایرانی مانند فردیناند یوستی (۲)، رودیگر اشمیت (۳) مایر هوفر (۴)، بنویست (۵) و ... بر روی این نامها بخوبی کار کرده اند. هر کدام کارهای با ارزشی را به طبع رسانده اند و امروز بعنوان مرجع برای تحقیقات بر روی نامها مورد استفاده قرار میگیرد. پژوهشگران فارسی زبان هم بر روی نامهای فارسی با استفاده از منابع خارجی که توسط نویسندگان ذکر شده تالیف شده کارهایی انجام داده اند اما تفاوتی بارز و واضح بین تحقیقات پژوهشگران غیر ایرانی و محققان ایرانی وجود دارد. آنچه که در کتب خارجی میتوان به آن دست یافت بررسی یک نام از نظر ریشه و اشتقاق و بار فرهنگی و تاریخ آن نام است. اما نامنامه های فارسی عموماً "به" نام "بعنوان یک هدف پرداخته اند و ریشه، معنی، اشتقاق و بررسی تاریخی آن نام معمولاً نادیده گرفته شده است و فقط فرهنگ نام هستند برای نامگزینی. بجز در چند مورد، دریک نامنامه ایرانی با فهرستی از نامهایی که معمولاً "به تفکیک دختر و پسر هم هستند روبرو میشویم. مساله دیگر این است که در نامنامه های فارسی معمولاً "مولفان با دیده تعصب با نامها برخورد کرده اند و نامهای عربی را بعد از گذشت هزار و چهار صد سال همچنان نام دخیل می دانند. در صورتیکه نامهای ترکی و فرنگی رامیتوان

(۱)- معین «فرهنگ فارسی» ج ۴ صفحه ۴۶۱۲. (۲)- Ferdinand Justi (۳)- Rudiger Schmitt (۴)-

Benvenist (۵) Manfred Mayerhofer

در این نامنامه ها یافت . گرچه نامهای عربی نامهای ایرانی نیستند و شاید در مواردی هم به دلیل تفاوت آوایی ، خوش آهنگ بنظر نرسند اما باید پذیرفت که این نامها با تاریخ و فرهنگ ماعین شده اند. برای روشن شدن بیشتر این موضوع مروری اجمالی بر روی نامنامه های مورد استفاده در این پژوهش انجام میدهم .

بررسی نامنامه های مورد استفاده در این پایان نامه

۱) نامنامه ایرانی که توسط فردینا ند یوستی با عنوان *Iranisches Namenbuch* در سال ۱۸۹۵ نوشته شده است . وی کوشیده است که در این کتاب کلیه نامهای ایرانی را از قدیمترین ادوار تا زمان نگارش کتاب درج کند که این نامها عبارتند از:

- نامهای اساطیری که در اوستا و منابع پهلوی آمده اند.
- نامهای تاریخی مستخرج از کتیبه ها و متون فارسی باستان ، متون یونانی ، آشوری ، ایلامی ، لاتین ، ایرانی میانه ، ارمنی ، سریانی ، عربی و فارسی دری.
- منابع عربی مورد استفاده در این کتاب شامل بسیاری از کتابهای عربی نظیر تاریخ طبری ، تاریخ ابن اثیر ، آثار الباقیه و ... میباشد.
- منابع فارسی مانند : تاریخ بیهقی ، تاریخ بلعمی ، شاهنامه ، مجمع التواریخ و القصص ، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، طبقات ناصری ، تاریخ فرشته و ...
- منابع غربی عبارتند از اهم منابع کلاسیک یونانی و لاتینی و تحقیقات شرق شناسان و ایران شناسان درباره تاریخ و زبانهای ایرانی تا زمان تالیف کتاب .

نامهای نامنامه یوستی از منابع تاریخی استخراج شده اند، به همین دلیل در کنار ویژگی زبان شناختی این نامها ارزش تاریخی آنها نیز مشخص میشود . این کتاب حاوی نامهای ایرانی است و در بعضی مواقع نام اشخاصی آمده که ایرانی نیستند . مولف جزء نامهای دوره اسلامی تمام ترکیباتی را که ساختار آنها ایرانی است اما ممکن است یک جزء ترکیب عربی ، ترکی یا مغولی باشد در کتاب درج کرده است، مثل ملک شاه یا مهر علی خان . این نامنامه منبع مورد استفاده در این پژوهش برای مقایسه اسامی قدیمتر است . از اشکالات این نامنامه آوا نویسی نامها است که به روش قدیمی صورت گرفته است. دیگر اینکه سال تالیف کتاب ۱۸۹۵ است و به همین دلیل کامل نمی باشد ولی بسیار با ارزش است.

۲) دیگر نامنامه ایرانی نوشته مانفرد مایر هوفر است که در سال ۱۹۷۹ با عنوان *Die Altiranischen Namen* (نامهای ایرانی باستان) مشتمل بر سه بخش تالیف شد . بخش اول

Die Avestischen Namen (نامهای اوستایی) است. بخش دوم Die Altpersischen Namen (نامهای فارسی باستان) نام دارد. بخش سوم فهرستهای دویخش اول و دوم است که بخش اول آن جداگانه در سال ۱۹۷۷ منتشر شده بود. مانفرد مایر هوفر استاد زبانشناسی هند و ایرانی دروین است. باکشف اسناد زبانهای ایرانی میانه در ترفان و جاهای دیگر و با پیدا شدن اسناد و کتیبه های سایر زبانهایی که حاوی نامهای ایرانی هستند و با چاپ متون عربی و فارسی و در سالهای بعد از چاپ کتاب نامنامه یوستی گنجینه نامهای ایرانی غنی تر شد. پس نیاز به تدوین کتابهای دیگر درباره نامهای ایرانی پیش از بیش احساس میشد. بخش ایرانی شناسی فرهنگستان اطریش طرح مفصلی با عنوان نامنامه ایرانی *Irenisches Personennamenbuch* برای گردآوری نامهای ایرانی تدوین کرده است. که این طرح زیر نظر مانفرد مایر هوفر و رودیگر اشمیت (استاد زبانهای ایرانی) میباشد.

در این طرح قرار است که نامهای ایرانی در ۹ جلد به چاپ برسد.

جلد ۱) نامهای ایرانی باستان (به آن اشاره شد) که توسط مایر هوفر نوشته شده است.

جلد ۲) نامهای ایرانی میانه (*Mitteliranisch Personennamen*) که تنها جزء دوم آنها به نامهای فارسی میانه در کتیبه ها، مهرها و مهروارها اختصاص دارند، چاپ شده است. این نامنامه توسط فیلیپ ژینیو (۱) نوشته شده است.

جلد ۳) نامهای ایرانی نو.

جلد ۴) نامهای ایرانی در سکه های باستانی.

جلد ۵) نامهای ایرانی در دیگر اسناد زبانهای هندواروپائی: که از آن یک جزء با عنوان «نامهای ایرانی در زبانهای هندواروپائی آسیای صغیر» است به چاپ رسیده که مختص نامهای ایرانی در زبان لوکیائی (۲)، لیدیائی (۳) و فریگیائی (۴) است.

جلد ۶) نامهای ایرانی در زبان ایلامی که یک جزء آن منتشر شده و به نامهای ایرانی در اسناد یونانی مصر اختصاص دارد با عنوان (نامهای ایرانی در اسناد یونانی مصر).

جلد ۷) نامهای ایرانی در زبانهای سامی.

جلد ۸) نامهای ایرانی در زبان مصری.

جلد ۹) نامهای ایرانی در زبانهای دیگر (چینی، اویغوری، ترکی و غیره).

بقیه این کتابها به چاپ نرسیده است.

۱) Philippe Gignoux (۳ و ۵) در مورد این زبانها رجوع شود به کتاب زبانهای خاموش صفحه ۱۰۶-۱۱۸

۳) کتاب دیگری که مورد استفاده قرار گرفت نوشته رودیگراشمیت با عنوان *Die Iranier Naman Bei Aischylos* است که در این کتاب ضبط یونانی نامهای ایرانی به همراه معادله ایرانی، ایلامی، ارمنی، اکدی آورده شده است.

در مورد نامنامه های ایرانی متاسفانه اکثر آنها بدون دید زبانشناسی و علمی به جمع آوری نامها پرداختند و بیشتر به منظور گزینش نام تدوین شده اند تا بعنوان فرهنگ نام از دید تاریخی، فرهنگی و زبانشناسی.

کتاب *نامهای ایرانی* نوشته دکتر محمود حسابی کتابی کم حجم است که به بررسی نامها با توجه به ریشه آنها پرداخته است. این نامنامه مشتمل بر دو فصل است اسامی دختران و پسران به تفکیک برای گزینش آسانتر در این دو فصل گنجانده شده است. دکتر حسابی برای تدوین این کتاب از شاهنامه فردوسی کهOLF (۱) فرهنگ برای واژه های آن نوشته استفاده کرده است. او همچنین از کتاب نامهای ایرانی یوستی و کتاب فرهنگ واژه های ایرانی باستان نوشته بار تولومه استفاده کرده است. در این نامنامه بیشتر نامهای فارسی که از پیشینیان به ما رسیده، گردآوری شده است و نامهای نو را مانند *ویدا* و *آزیتا* در آن نمی توان یافت. معنی یا ریشه نامها بجز موارد معدودی ذکر نشده است و همچنین به اشخاصی که در گذشته صاحب این نامها بوده اند نیز اشاره ای نشده است. در بعضی موارد اسامی که در نامنامه یوستی برای زنان استفاده میشود در این نامنامه برای مردان نوشته شده است و برعکس. کتاب بر اساس الفبای فارسی و با اعراب گذاری نوشته شده و آوا نویسی ندارد. نامهای ترکی و عربی در آن دیده نمیشود.

- فرهنگ نامهای اوستا نوشته هاشم رضی کتاب دیگری است که به آن برای جمع آوری نامهای موجود در این مجموعه رجوع شده است. در این فرهنگ نام اشخاص، کوهها، سرزمینها، دریاچه ها، موجودات اساطیری و جانوران ذکر شده است. در مقابل هر نام توضیحی درباره آن، ریشه، معادل پهلوی و کاربرد امروزی، آدرس نام در اوستا و مراسم مربوط به جشنها و داستان مربوط به هر نام ذکر شده است. در مواردی هم از اشعار شاهنامه استفاده شده و به آن رجوع داده شده است.

- *فرهنگ نامهای ایرانی* نوشته محمد عباسی اقتباسی از نامنامه یوستی است. نخستین طرح در تدوین فرهنگ نامهای ایرانی با ذکر منشا تاریخی و معنای لغوی آنها در زبان فارسی است. در این نامنامه اسمها آوا نویسی ندارد و بر اساس الفبای فارسی مرتب شده است.

اسمهای سکائی ، آلبانی ، ارمنی و ترکی هم در آن ذکر شده ولی اسمهای عربی دخیل در زبان ایرانی نوشته نشده است .

- فرهنگ نامهای برگزیده نوشته *داریوش شاهین* که در آن نامها بدون ذکر معنی و ریشه آنها در دویخش نامهای پسر و دختر تقسیم شده است و نامها بدون ذکر معنی و ریشه آنها آورده شده است . نامهای عربی دخیل در فارسی در آن دیده نمیشود .

- *نامهای ایرانی* نوشته *بهرام فروشی* که در آن نام دختر و پسر بدون ذکر معنی و ریشه و ماخذ و آدرس آن در متون قدیم به تفکیک آورده شده است . در تدوین آن از نامنامه یوستی استفاده شده است .

- *گنجینه نامهای ایران* تالیف *مهربان گشتاسپ پورپارسی* که در آن نام زنان و مردان به تفکیک آمده و فقط نامهای ایرانی و آریائی در آن دیده میشود .

- *نامهای زیبایی ایرانی* نوشته *حسین نخعی* که در این نامنامه نیز نامهای دختر و پسر به تفکیک فقط با ذکر نام بدون اشاره به گذشته تاریخی و ریشه هر نام آورده شده است .

- *فرهنگ نامهای شاهنامه* نوشته *علی جهانگیری* که به معرفی اجمالی قهرمانان شاهنامه پرداخته و تطبیق نامهای مشترک در اوستا و شاهنامه را انجام داده است .

- *فرهنگ شاهنامه* (نام کسان و جایها) تالیف *حسین شهیدی مازندرانی (بیژن)* که در این فرهنگ نام جایها و کسان را آورده است . نامهای کسان با نامهای اوستائی و به خط اوستائی و نامهای پهلوی و با خط پهلوی مطابقت کرده است و با روایات تاریخی سنجیده است . راهنمای خوبی برای کسانی که شاهنامه را میخوانند و مایل هستند تا محل اتفاقهای شاهنامه برای آنها روشن شود . نامهای همسان بترتیب تاریخی در آن نوشته شده است .

- *فرهنگ جامع نامهای شاهنامه* تالیف *محمدرضا عادل* به ویراستاری دکتر بهار در این فرهنگ نامها به اجمال و با توضیح مختصر آورده شده است .

- فرهنگ نامهای شاهنامه نوشته دکتر منصور رستگار فسائی که فرهنگ جامعی از نامهای کسان در شاهنامه است. در برابر هر اسم توضیح در مورد اسم داده شده و به ابیاتی از شاهنامه که آن اسم را در بردارند اشاره کرده است. در مواردی ریشه های اوستائی هم ذکر شده. نامها با شاهنامه های دیگر مطابقت داده شده است. بعضی از نامها در شاهنامه چاپ مسکو دیده نمیشود ولی در شاهنامه های دیگر وجود دارد این نامها را هم در حاشیه آورده است. نامها به همراه آوا نویسی برای تلفظ آسانتر آورده شده است.

- آوای نامها از ایران زمین نوشته پری زنگنه : کتابی است که در آن اسامی مورد استفاده در ایران از فارسی، عربی، کردی، لری، بلوچی، مازندرانی، گیلانی، آشوری، ارمنی، کلیمی، زرتشتی، ترکی، ترکمنی و... به تفکیک جمع آوری شده است. قبل از هر مجموعه نام توضیح درباره چگونگی مراسم نامگذاری داده است. در برابر هر نام فقط به معنی و جدا ساختن نامهای دختران و پسران اکتفا کرده است و در آخر هم نامهای مورد استفاده فارسی و عمومی را جمع آوری کرده است. در میان فرهنگهای نام فارسی کتاب ارزشمندی و درخور توجهی است. البته کار علمی بر روی آن انجام نشده است و فقط نامنامه ایست به منظور گزینش نام نه برای بررسی علمی و دانشگاهی. نامها به الفبای فارسی همراه با آوا نویسی است.

- فرهنگ جامع در نامهای ایرانی نوشته محمد حاجی زاده کتابی است که در آن کلیه اسامی مورد استفاده در ایران امروز با تفکیک خواستگاه نام توضیح در مورد معنی هر نام و شخصیت تاریخی صاحب نام نوشته شده است. کتاب بر اساس حروف الفبای فارسی و با آوا نویسی تدوین شده و به همین دلیل خواننده برای پیدا کردن تلفظ هر نام کمتر دچار مشکل میشود در این کتاب کلیه اسامی ایرانی و غیر ایرانی را میتوان دید.

- فرهنگ نامهای فارسی از انتشارات سازمان ثبت احوال و اسناد رسمی کشور که در آن کلیه نامها به همراه توضیح و معنی آورده شده است. اما این کتاب کامل نیست و فقط تا پایان حرف «ح» نوشته شده است.

- فرهنگ نام و نامگزینی هم کتابیست از دفتر تحقیقات سازمان ثبت احوال و اسناد رسمی که در آن نامهای ایرانی و غیر ایرانی مناسب و مجاز برای گزینش نوشته شده است.

روش کار

۱) بررسی متون به علت گستردگی و تنوع متنها از نظر زبانی در دوره های مختلف و تعدد آنها کار بسیار وقت گیر و پژوهشی بس عظیم است که نیاز به صرف سالها وقت دارد که مجال آن در این فرصت کوتاه داده شده برای تنظیم پایان نامه نبود. از این رو برای گرد آوری اسامی در این مجموعه، بهترین راه آن بود که نامهای موجود در نامنامه ها از قدیم تا به امروز به تفکیک زمانی بررسی شود و باهم مقایسه شود که البته بعلت محدودیت زمانی از آوردن همه نامها بخصوص در بخش نامهای رایج امروزی خودداری شده است.

۲) در بخش نامهای اوستا، اسامی با آوانویسی هوفمان با استفاده از کتاب نامهای اوستائی نوشته مایر هوفر آورده شده است. در برابر هر اسم معادل آن از نامنامه یوستی استخراج شده است. در مقابل هر نام آدرس نام در اوستا داده شده است. معنی و ریشه و اشتقاق و معادل آن در پهلوی و فارسی نو و ضبط یونانی نام در صورت وجود در زیر آن آورده شده است. این نامها به دو بخش نامهای اوستائی اهورائی و نامهای اوستائی اهریمنی تقسیم شده اند. به این دلیل که نامهای اهریمنی بعدها با گذشت زمان و به دلایلی که در قسمت کلیات ذکر شده از بین رفته اند و دیگر کاربرد اسمی ندارند و فقط در شاهنامه از تعداد معدودی از این نامها یاد شده است.

۳) در بخش نامهای فارسی باستان که اسامی دوران هخامنشی و مادی را در بر دارند، نامها بر اساس حروف الفبائی که در کتاب نامنامه یوستی آورده شده، نوشته شده است. در مورد معادل ایرانی بعضی از اسامی بعلت مجهول بودن آن و بدلیل اینکه نام از منبع یونانی و بالفبای یونانی استخراج شده توضیحی داده نشده است. بعضی از اسامی با حروف یونانی و بعضی دیگر با آوا نویسی بار تلمه به همان ترتیبی که در نامنامه یوستی بوده نوشته شده است به این دلیل که به راحتی بتوان آنها را در نامنامه پیدا کرد. برای معادل ایرانی اسامی از کتاب Die Iranier – Namen bei Aischylis نوشته رودیگر اشمیت و کتاب Onomastica Persepolitana نوشته مانفرد مایر هوفر استفاده شده است. در برابر هر نام به شخصیت تاریخی صاحب نام، ریشه، معادل اوستائی، پهلوی و فارسی نو آن در صورت امکان اشاره شده است و در واقع تقریباً تمام نامهای این قسمت به همراه ضبط یونانی این نامها آورده شده.

۴) در قسمت نامهای فارسی میانه اسامی بر اساس آوا نویسی به روش مکنزی آورده شده است. در برابر هر نام علاوه بر فرم فارسی نام در صورت امکان ریشه، اشتقاق، معادل آن

در فارسی نو، شخصیت تاریخی صاحب نام وضبط یونانی آن ذکر شده است و از ذکر منابع مورد استفاده به علت محدودیت زمانی خودداری شده است مگر نامهایی که به گوش نا آشنا بوده اند در این صورت در پایان توضیحات نام منبعی که آن اسم در آن دیده شده، نوشته شده است. این نامها عمدتاً از کتیبه های اشکانی، ساسانی، و متون فارسی میانه استخراج شده است.

۵) در بخش نامهای شاهنامه با رجوع فرهنگ نامهای شاهنامه نوشته دکتر منصور رستگار فسائی، فرهنگ جامع نامهای شاهنامه تألیف محمدرضا عادل اسامی بر اساس حروف الفبای فارسی با آوانگاری در برابر هر نام به منظور سهولت در تلفظ نام آورده شده است. در این قسمت فقط به ذکر نامهای ایرانی و تورانی بدلیل گستردگی موضوع و کمی بضاعت خود بسنده کرده ام. در زیر هر نام در صورت امکان ریشه اوستائی، معادل فارسی میانه، ضبط یونانی آن با الفبای یونانی و توضیح در مورد شخصیت صاحب نام به اختصار آمده است. در مواردی که توضیحات مفصل بوده با ذکر صفحه به فرهنگ نامهای شاهنامه رجوع داده ام که صرفاً بدلیل گستردگی موضوع و محدودیت زمانی است. در مورد اسامی مانند رستم، سهراب، کیخسرو، کیکاوس، سیاوش، افراسیاب و... بدلیل گستردگی رویدادها یی که با آنها مرتبط بوده فقط به ذکر نام و توضیح کوتاهی در مورد خاندان آنها بسنده کرده و به فرهنگ نامهای شاهنامه ارجاع داده ام.

۶) در بخش نامهای ایرانی امروزی نامها با آوانویسی آورده شده اند که موجب سهولت در تلفظ نام است. ریشه، اشتقاق، معنی و توضیح تاریخی در برابر هر نام نوشته شده است. نامها به ترتیب حروف الفبای فارسی است. در بعضی از قسمتها بعلمت تنوع نامها به ذکر چند مورد بسنده کرده ام. بعنوان مثال ترکیبات اسمی با پسوند و پیشوند (گل) بسیار است که چندین نمونه آن فقط ذکر شده است. در برابر بعضی از نامها کلمه حسابی یا یوستی نوشته شده است بدین معنی که در کتاب نامنامه یوستی و یا کتاب نامنامه دکتر حسابی که به عنوان قدیمیترین نامنامه های خارجی و ایرانی مورد استفاده در این پژوهش است، این نام وجود دارد.

۷) در بخش نامهای انیرانی که نامهای دخیل و رایج از زبانهای دیگر هستند فقط به ذکر نام و خواستگاه آن بسنده کرده ام و این قسمت رافهرست وار نوشته ام و این خود فقط همانطور که قبلاً ذکر کرده ام بدلیل گستردگی موضوع است.

۸) در مورد نامهای عربی لازم به ذکر است که بعضی از نامهای مذکر با افزایش (ه) تبدیل به نامهای مونث میشوند بدون اینکه تغییری در معنی به وجود آید مانند: صابر که نام مرد است و نام صابره که متعلق به زن است. در قسمت نامهای انیرانی از ذکر هر دو حالت نام